

دین جرم است و  
باید غیر قانونی  
اعلام شود

سیامک مهر

# بیداری

ماهانامه ی شماره ی ۱۲۹ کانون خردمداری ایرانیان  
سال بیست و دوم - خرداد ماه ۲۵۸۱ ایرانی - ۱۴۰۱ عربی

خدایی نیست  
تا پیامبری  
داشته باشد

## جمهوری اسلامی ایران دارای بمب اتمی شده است اسرائیلی ها هم خبر دارند

(( شرح در همین شماره ))

## رسانه های غربی احمق های مفید برای ماشین تبلیغاتی جمهوری اسلامی اند

(( العربیه فارسی )) شرح در همین شماره

اسماعیل وفا یغمائی

وداع با فریب

مقاله آقای یغمائی برای این شماره به صورت منظوم رسیده است. اگر چه در بیداری شعر درج نمی کنیم ولی این منظومه بطور استثنایی چاپ می شود. چون فرصت گرفتن مقاله ای دیگری از

مانده در رویه ۳

بیداری

جمهوری اسلامی ایران دارای بمب اتمی  
شده است

به دلایل فراوان که شرحش خواهد آمد جمهوری غیر متمدن و خطرناک  
اسلامی ایران باکمک پاکستان و دانشمندان ایرانی که

مانده در رویه ۲

## بیداری

مانده از رویه ۱

در آمریکا و اروپا تحصیل کرده اند نزدیک به دو ماه است به ساخت بمب اتم دست پیدا کرده و اسرائیلی ها هم از آن خبر دارند و نمی دانند با این گرفتاری بزرگ چگونه برخورد کنند.

خوانندگان بیداری اگر اخبار ایران و جهان را دنبال کنند می دانند تا دو یا سه ماه پیش دولت اسرائیل تقریباً هر روز و هر هفته نگرانی خود را از دستیابی ایران به بمب اتمی ابراز می کرد و به جهان به ویژه به آمریکا هشدار می داد که ایران به ساخت بمب اتمی بسیار نزدیک شده است و گاهی آن را به یک هفته و دو هفته و یک ماه مانده به تکمیل پروژه ساخت بمب به جهان هشدار می داد و تا آنجا هم که می توانست با خرابکاری در سیستم ساخت بمب و غنی سازی اورانیوم آن را به وقفه می انداخت و به احتمال زیاد حذف فیزیکی چند دانشمند اتمی ایران در همین راستا بوده است.

ولی ناگهان هشدارهای بی وقفه اسرائیلی ها به پایان رسید و از همان زمان هم ارتباط بین آمریکا و اسرائیل به سردی گرایید. چون اسرائیلی ها از ممانعت آمریکایی ها با جمهوری اسلامی و طولانی شدن ماجرای برجام ناراحت و ناراضی بودند ولی به محض اینکه متوجه شدند ممانعت اروپا و آمریکا منتبج به کامل شدن پروژه ساخت بمب در جمهوری اسلامی گردید، چاره ای فوری هم برای آن نداشتند لب فرو بسته ساکت شده اند تا راه حلی برای این گرفتاری بزرگ پیدا کنند و نمی خواهند با صدای بلند این شکست بزرگ را اعلام کنند. علامتی هم مینا بر اینکه به غربی ها گزارش موضوع را داده اند یا نه در دست نیست، شاید به طور محرمانه مشترکا در پی طرحی هستند، و صلاح نمی دانند موضوع را فعلاً علنی کنند.

و اما چرا جمهوری اسلامی این موفقیت خود را اعلام نمی کند؟ و جهان را در برابر عمل انجام شده قرار نمی دهد. پاسخ بسیار روشن است.

آخوندها به شدت بی پول شده اند و تمام امیدشان به رفع تحریم ها و برگشت پول های بلوکه شده در بسیاری از بانک های گرداگرد جهان است. و این مهم با امضا شدن برجام ممکن است و لا غیر. آن ها می دانند اگر پیش از جمع آوری طلب های خود، موضوع ساخت بمب را علنی کنند هیچ کشوری پول های ایران را به دلیل تحریم های موجود و بیشتر شدن تحریم های جهانی، به ایران بر نمی گرداند. و بی پولی هم یعنی خیزش مردم و سقوط رژیم. و به همین دلیل است که آن ها هم جرات ابراز داشتن بمب اتمی را ندارند. اگر دقت کرده باشید تا زمانی که جواد ظریف واسطه برجام بود او چه مشکلاتی با خامنه ای، با مجلس و با رسانه های ایران داشت و هر روز با یکی از این ها در حال جنگ بود، و به این آسانی زیر بار خواست های تیم پنج به علاوه یک یعنی غربی ها نمی رفتند و خامنه ای هم علناً مطالب خود را دیکته می کرد ولی پس از آمدن دولت رئیسی و عوض شدن تیم ایرانی مذاکره کننده، ایرانی ها با چه نرمشی و اصراری برای امضای برجام آمادگی

پیدا کرده و تلاش می کنند. چون می خواهند به هر شکلی شده برجام به نتیجه برسد و پول های خود را پس بگیرند تا بتوانند خبر ساخت بمب اتمی را علنی کنند.

ممکن است پرسیده شود چرا اسرائیلی ها غافل گیرانه حمله نمی کنند و آزمایشگاه های مربوطه را از بین نمی برند؟ دلیل اصلی اش را ما نمی دانیم ولی می تواند به دو دلیل باشد یکی اینکه از مکان های پنهان شده بمب ها با همه آگاهی هایی که از درون ایران دارند صد در صد مطمئن نیستند و در حال جستجویی باشند و دلیل دوم هم ترس از پخش تشعشعات اتمی حاصله از منفجر شدن سیستم است که ممکن است دامنه تشعشعات تا خود اسرائیل و فراتر از آن هم برسد و میلیون ها کشته و زخمی و معلول برجای بگذارد.

در این رابطه تنها چیزی که مشخص نیست ارتباط روس ها با موضوع است که موضع آن ها با رسیدن جمهوری اسلامی به کشوری اتمی چیست، آیا آخوندهای هفت خط فریبکار آن ها را هم گول زده اند یا آن ها در جریان هستند. آنچه مسلم است سکوت ناگهانی اسرائیلی ها و عجله و نرمش آخوندها در مسئله برجام چیزی نمی تواند باشد جز تمام شدن کار ساخت بمب اتمی در ایران. کار دولت رئیسی در این ماجرا کش دادن امضای برجام و خرید وقت برای به پایان رساندن پروژه غنی سازی و ساخت بمب بود که به خوبی انجام شد و هنوز غرب گیج و ویدج را منتر خود کرده اند که اگر پروژه ساخت بمب لو نرود آن ها به زودی با یک امضای بی معنا پول های خود را پس می گیرند و سپس موضوع اتمی شدن ایران را اعلام می کنند و جهان هم دیگر هیچ کاری نمی تواند انجام دهد جز پذیرش اتمی شدن یک حکومت خطرناک اسلامی. به ویژه که جهان درگیر مسائل شدید اقتصادی و پس لرزه های کرونا و اخیراً هم موضوع اوکراین و مشکل سوخت شده و سر رشته کار از دست همه درآمده است. ممانعت ۴۳ ساله غرب با آخوندها بیشترین زیان را برای جهان داشته و سرانجام کار هم معلوم نیست که چه خواهد شد. ناتوانی اپوزسیون خودمان هم در انجام وظایف اش مزیدی است بر همه علت ها و مشکلات درونی. این نظریه را ما از شواهد موجود میبینیم که امیدواریم غلط از آب درآید و آخوندها دارای بمب اتمی نشده باشند، که اگر شده باشند بیرون کردنشان از ایران مشکل تر می شود.

**فرض کنید گلوله خودش نمی دید و  
نمی دانست، تفنگ هم نمی دید و  
نمی دانست، شکارچی هم نمی دید و  
نمی دانست که پرنده دارد برای جوجه  
هایش غذا می برد. خدا که می دانست!**

حسین پناهی

## وداع با فریب

مانده از رویه ی نخست

ایشان نبود. امید است مورد توجه خوانندگان قرار بگیرد. و با پوزش از آن ها که تعصب دینی دارند و ناراحت می شوند .

صد بار خر شدیم و دگر خر نمی شویم  
رحمت به خر ز گاو فروتر نمی شویم  
دیگر به سوی مسجد و ملا نمی رویم  
دیگر به پای مسلخ منبر نمی شویم  
لوطی و عنتری است اگر شیخنا ولی  
تقلید او نکرده و عنتر نمی شویم  
ما ترک اعتیاد نمودیم ای رفیق  
دیگر پی شنیدن عرعر نمی شویم  
سر را دگر به قبله این دین نمی نهیم  
اندر پی خدا و پیمبر نمی شویم  
جای خدای مان به خدا درد می کند  
اندر رکوع و سجده چو چنبر نمی شویم  
دیگر فریب قصه سلمان نمی خوریم  
از نعره ی بلال خر و کر نمی شویم  
ما را نماد، بابک و یعقوب بوده اند  
میهوت پهلوانی صفدر نمی شویم  
مسحور قهرمانی آن خصم میهنم  
یعنی گنده ی در خیبر نمی شویم  
رودابه مام و، بود زال هم پدر  
جز رو به سوی این دو دلاور نمی شویم  
گفتی بما معاویه بد بوده، آن درست  
ما هم اسیر نام ابوذر نمی شویم  
قنبر غلام بوده علی را ولی که ما  
هرگز غلام و برده چو قنبر نمی شویم  
از بعد چارده سده نکبت ز دست دین  
نی سوی فاطمه یا که حیدر نمی شویم  
گفتند از معاویه مسموم شد حسن  
سوی حسن به اشک و رخ تر نمی شویم  
ز اسلام زندگانی ما پر از زهر فتنه هاست  
ما سوی یک فسانه دیگر نمی شویم  
رحمت به شمر که بهتر بود ز شیخ  
محو حسین و ساقی کوثر نمی شویم  
طفالان این وطن همه آماج حرمه  
دیگر اسیر قصه ی اکبر نمی شویم

کشتند بی شماره جوانان ما، دگر  
مغموم از شهادت اصغر نمی شویم  
ز اسلام مادران وطن غرق اشک و خون  
رهجو به سوی زینب مضطر نمی شویم  
گرد آفرین ها همه بر دار و محبس اند  
ما در پی صدیقه اطهر نمی شویم  
سجاد را بنه که نویسد صحیفه ها  
یا چشم انتظار باقر و جعفر نمی شویم  
ما را صحیفه ی خیام و حافظ است  
آری سوی صحیفه ی دیگر نمی شویم  
با آن صحیفه ها و احادیث ای عزیز  
جز تا کمین شیخ مزور نمی شویم  
جز تا به سر طویله و اصطلب شیخنا  
جز تا مقام آشتی و آشتی نمی شویم  
جز تا خلای دین که... به مغرها  
جز تا حریم جهل مکرر نمی شویم  
چاه خلاست این و ببین آی مومنان  
با چاه مستراح معطر نمی شویم  
از آستان موسی کاظم و محضرش  
سر تافتیم باز بر این در نمی شویم  
آقا رضا برو که پس قرن های قرن  
مسحور بغ بغوی کبوتر نمی شویم  
بعد از رضا و سپس آن تقی نقی  
زین پس به سوی منزل عسکر نمی شویم  
مهدی به چاه خفته هزار و دویست سال  
وارد به چاه حقه و باور نمی شویم  
موعود ما خدای خرد یا خرد خداست  
جز با وجود این دو منور نمی شویم  
در طول چارده سده با پوزش از الاغ  
خر بوده ایم لیک دگر خر نمی شویم  
با این همه مصیبت و بدنامی و عذاب  
نه، خر دوباره، مکرر نمی شویم

**در اسلام طلا برای زینت مردان حرام است ولی طلا**

**برای زینت دادن به گور خمینی و حسن و حسین و**

**بقیه آن ها حلال و ضروری تر از فراهم کردن غذا**

**برای فقرا و بچه های گرسنه است!**

## اسلام این نیست که شما در ایران می بینید

دکتر احمد ایرانی

### بی خدایی، چند خدایی، تک خدایی

در کهن ترین دین های سرزمین ها و قوم های باستانی جهان نام و نشانی از «خدا» به معنای امروزی آن دیده نمی شود. نخستین انسان های پیش از تاریخ به «نیروهای غیبی»، «اشیاء اسرارآمیز» و «روح» باور داشتند و حتاسنگ و کوه را نیز دارای «روح» یا «جان» می دانستند.

همان طور که در گذشته اشاره شد حتا دین های بزرگی چون بوداگرایی، هندوگرایی و کنفوسیوس گرایی دین های بی خدایی هستند و خود را غیر آسمانی می دانند.

در باورهای مصریان باستان، کلدانیان و یونانیان باستان اعتقاد به وجود خدایان «چند خدایی» دیده می شود. بخش بزرگی از داستان های ادبی اقوام باستانی و متمدن سرگذشت زندگی این «خدایان» و الهه ها «الاهه» است که به صورت اسطوره، حماسه و افسانه به یادگار مانده و به آن ها «اسطوره شناسی» یا «میتولوژی» می گویند.

باور به خدای یکتا، یگانه و بی همتا از تکامل و پیشرفت اندیشه های مربوط به چند خدایی پدید آمد. بررسی ژرف این دگرگونی به آسانی نشان می دهد که دین پدیده ای انسانی است و از افکار و اندیشه های درون مغز انسان سرچشمه می گیرد.

در برخی از دین های چند خدایی، برخی از خدایان از سایرین بزرگتر و نیرومندترند. برای نمونه «ژئوس» نیرومندترین و بزرگترین خدا یا «خدای خدایان» شمرده می شود و به این ترتیب پایه های تکامل یافته تر مربوط به «خدای بزرگ» گذاشته می شود.

برخی از دین شناسان، مسیحیت را دینی چند خدایی می نامند که بنا بر آن «خدای بزرگ»، «عیسی مسیح» فرزند خدا و نیروی دیگری به نام «روح القدس» از بزرگترین مقدسات به شمار می روند.

واژه تثلیث یا سه خدایی نیز به خاطر این سه قدرت بزرگ به کار رفته است. برخی دیگر دین زرتشت را دین تک خدایی نمی دانند زیرا در آن «اهورامزدا» یا خدای دانا در برابر «اهریمن» در نبرد است و این دو نیروی بزرگ بر جهان فرمان روایی می کنند. اما در پایان «اهورا» بر «اهریمن» چیره خواهد شد و نیرویی یکتا بر جهان فرمان روایی خواهد کرد. پیش از پیدایش زرتشت، ایرانیان باستان از کیش و آیین چند خدایی پیروی می کردند. «الله» در اسلام، «برهمن» در هندو، «نیروانا» در بودا، «یهوا» در یهودیت، نماد دانایی، حکمت، قدرت و بزرگی هستند که بر جهان انسان های باورمند فرمان می رانند.

دلیل ماندگاری اسلام در ایران چیست که در اصل باید گفت کیست. آیا آخوندهای بی سواد اسلام را در ایران نگه داشته اند و آن را ننگهانی می کنند؟ آیا روستاییان ساده دل و درس نخوانده ماکه جمعیت بزرگی را در ایران تشکیل می دهند مانع وقوع یک رنسانس مذهبی شده اند؟

آیا مردم فقیر ساکن «جنوب شهری های ما» نمی گذارند ایران از بند و بوی خفه کننده اسلام رهایی پیدا کند؟ و سر انجام آیا لات و لوت ها و چاقوکش ها و دزد ها نمی گذارند ایرانیان دست از دینی بکشند که طی ۱۴۰۰ سال نگذاشتند یک جرعه آب خوش از گلوی شان پایین برود؟ اگر این ها نیستند پس چه دلیلی دارد و چه کسانی دو دستی بیضه اسلام را گرفته اند و رهایش نمی کنند؟ تا بقیه مردم نیز به تبعیت از آن ها دست از دینی که با جنگ به آن ها تحمیل شده و دارو ندارشان را از دستشان گرفته و نیاکانشان را به سیخ کشیده، نکشند!

اگر هفته پیش در پای سخنان شخص شخیصی در یک مراسم کتاب خوانی بودید و این شخصیت را می دیدید می توانستید پرسش ما را پاسخ دهید که پس چه گروه اجتماعی، ایرانیان را گروگان اسلام کرده اند. البته حضرت استادی در آن جلسه در این مورد یک جمله بیش نگفت که گویی رساله خود را در باب اسلام ناب محمدی منتشر نمود، او با یک جمله حجت را تمام کرد، (افسوس که با تندخویی و عصبانیت ارائه طریق فرمودند - همان خوی اسلامی) این شخصیت فرهنگی، مشهور، که ده ها کتاب و سدها مقاله نوشته، مترجم و پژوهشگر ادبی و تحصیل کرده در ده ها دانشگاه ایران و آمریکا است، در مراسم کتاب خوانی شرکت کتاب که خیلی هم برای اجرای این مراسم زحمت کشیده شده بود.

در پاسخ به پرسش جوانی آرام و محترم ناگهان جوش آوردند و به دفاع از اسلام راستینی برخاستند که تمام عمر خود، و شاگردانش را در راه حفظ آن به هدر داده اند ایشان در جمله پایانی خود فرمودند اسلام این نیست که شما در ایران می بینید.

از استاد محترم خواهش می کنیم بفرمایند اسلام خوب و درست و راستین کدام است و در چه دوره ای از عمر اسلام و در کجا دیده شده است. ما تا به آن روز فکر می کردیم بدبختی ما از ملاهاست!! نخیر این رشته سر درازش در تز و پایان نامه قشر دیگری پنهان است.

من هم هنگام نوشتن این متن شور محمدی گرفتم و کمی عصبانی شدم با پوزش از خوانندگان و با درود به آن جوان جوئیای واقعیت.

سیاوش لشگری

## صفا حقیقت

## ده فرمان محمد در قرآن

ده فرمان محمد در قرآن، در رقابت با ده فرمان موسا در تورات.

۱- «قتل مکن» به جز قتل کافران، مرتدها، بی دین ها و کشتن همسر و دختر و خواهر خود به نام قتل های ناموسی!

۲- «زنا مکن» به شرطی که پیش از رفتن به رختخواب با هر زنی، در دلت آیه صیغه را بخوانی!

۳- «دروغ مگو» مگر این که مصلحت و در راه پیشرفت اسلام باشد!

۴- «ربا مخور» جز این که نامش را قرض الحسنه بگذاری!

۵- «سوگند دروغ مخور» مگر این که خدعه ای در راه اسلام باشد!

۶- «دزدی مکن» مگر این که نامش را مصادره و یا غنیمت بگذاری!

۷- «بت پرست نباش» مگر اینکه بت اش دارای گنبد و مناره های از طلا باشد!

۸- «طمع به مال غیر مکن» مگر اینکه خوشحالت بکند، نیاز داشته باشی و یا مال کافر باشد، به نام جزیه هم می توانی طمع به مال غیر کنی!

۹- «به زن شوهر دار نظر نداشته باش» مگر این که شوهرش را در جنگ کشته و یا اسیر کرده باشی. همبستر شدن با چنین زنی را الله خیلی دوست دارد. این زن نگون بخت جایزه ای برای تو در ازاء کشتن شوهرش می باشد!

۱۰- «شهادت دروغ مده» جزدرمورد پیامبر. که بگویی «اشهد و ان محمدا رسول الله» «من شهادت می دهم که محمد رسول خدا است»! خودم شاهد این ماجرا بودم، کورشوم دروغ بگویم!

## دکتر دادخواه

## ما و عرب ها

در حقیقت تاریخ زنده عرب از روزی آغاز شد که در یک جنگ داخلی و فامیلی سر حسین پسر علی را بریدند و بردند نزد عبیداله زیاد و به ترتیب سر عبیداله را بریدند و بردند خدمت مختار ثقفی، سپس سر مختار را بریدند و بردند به درگاه عبدالله زبیر و سر زبیر را بریدند و بردند به پیشگاه عبدالملک مروان، ... کلا این سر بریدن ها رسم بوده، فرقی هم نمی کرده مظلوم باشی، زن و بچه باشی، هیچکاره باشی. اگر خود یا قبیله ات شکست می خوردید، سرتان بالای نیزه بود.

این داستان عاشورا و کشته شدن حسین در ماه محرم و کشته شدن علی در ماه رمضان به ما می گوید هنگامی که این قوم با خودشان و فرزندان و نوه های پیامبر اینگونه بیرحمانه برخورد می کنند و سری را به نوک شمشیر خود می زنند و یا سرشان به نوک شمشیری می رود، ببینید با ایرانیان مغلوب و نیاکان ما در حمله به ایران چه کرده اند!

نیاکان بی گناه من و شما که نمی خواستند مسلمان شوند و به دفاع از میهن و ناموس خود برمی خاستند با آن ها بی رحمانه تر از شهیدان کربلا رفتار می شد.

اگر اسیران کربلا پس از مدتی محترمانه آزاد شدند و به میان قوم و قبیله خود برگشتند زنان و دختران و طفلان بی گناه سرزمین ما مظلومانه تر از اسرای کربلا در بازارهای مکه و مدینه چه گمنام به قتل رسیدند یا فروخته شده و فریادرس و تاریخ نگاری از آنان دفاع نکرد و حتی هم میهنان و فرزندان شان (من و شما) هم آن ها را از یاد بردیم و تاریخ عرب را جایگزین و سوند پر افتخار کشور خود کردیم.

ای کاش فقط یک روز در سال و فقط تنها یک شمع به خاطر آن هم میهنان ستم دیده و آنها که جان در این راه از دست دادند روشن می کردیم، این کار را که نمی کنیم هیچ یاد آن ها را هم زنده نمی کنیم و نامشان را نمی بریم. فراموش نکنیم نام های بابک خرمدین، یعقوب لیث، مرداوید، مازنیار، طاهر، میرزا آقاخان کرمانی، صادق هدایت، احمد کسروی، کورش آریامنش، منوچهر فرهنگی، فرود فولادوند، شایان کویانی و هزاران جانباخته با نام و بی نام دیگر را.

آخوندهای ما به اعراب می نازند و خود را از آنان می دانند و ما به نیاکان خود نمی نازیم، نامشان را هم نمی بریم.

**آخوندی بالای سر مرده ای نماز میت و تشهد می خواند. شخصی از راه رسید و به آخوند گفت**

**این مرد که زنده بود به من یک سیلی زده است، می خواهم طبق دستور اسلام او را قصاص کنم و پیش از دفن شدن یک سیلی به او بزنم. آخوند خنده اش گرفت گفت مرد، مگر دیوانه شده ای او مرده است درد سیلی را که نمی فهمد. مرد پاسخ داد پس چگونه مردی که مرده است صدای تشهد شما را می شنود اما درد سیلی مرا نمی فهمد؟!!**

عبید زاکانی

## نوشته سید ابراهیم نبوی

### شیطانی که ایران را به آتش کشید

## مردی گناهکارتر از خمینی

وی ۴۴ سال زندگی کرد و به اندازه ۴۴۰ سال جامعه ایران را به عقب ماندگی دچار نمود. او یکی از صدها روستایی جهان سومی بود که پس از تولدش در روستای کاهک در کویر مزیان نزدیک سبزوار و درس خواندن و ادامه آن در پاریس به کشورش برگشت و پایه گذار استبداد شد. وی موفق شد دین را به یک اسلحه تبدیل کند تا با آن یک حکومتی را که آزادی اجتماعی داشت اگر آزادی سیاسی نداشت از میان ببرد و حکومتی ایجاد کند که نه آزادی سیاسی داشت و نه آزادی اجتماعی.

کشفیات این آقای دکتر، که پایه و اساس ساختمان انقلاب اسلامی بود، عبارت بودند از شربت شهادت، مانتو و روسری، مستضعف و مستکبر، ابوذر و یاسر، ایدئولوژی اسلامی، مسجد ارشاد، ولایت، سوسیالیسم شیعی، جامعه بی طبقه توحیدی برای کشور غیر تولیدی، تبدیل فاطمه به سیمون دوبوار و ابوذر به چگوارا.

او تنها روشن فکر تاریخ ایران است که صدها هزار دانشجوی را چند دهه از فکر کردن بی نیاز (و بدبخت) کرد.

این آقای دکتر نامش علی شریعتی متولد سبزوار، بزرگ شده مشهد و کاشف ابوذر و فاطمه در پاریس بود. در انگلیس درگذشت و در زینبیه سوریه به وصیت خودش دفن گردید. کارنامه او با این نمره‌ها بسته می‌شود انشاء ۲۰، تاریخ ۳، جامعه‌شناسی ۵، فن بیان ۲۰، تعلیمات مدنی ۴، انضباط ۳. این آقای دکتر با حداقل نمره دکترای ادبیات از فرانسه گرفت.

علی شریعتی تشیع صفوی را که یک دین قابل تحمل و غیر مزاحم در زندگی ایرانیان بود به تشیع خطرناک علوی تبدیل کرد.

ریاکاری او از همان زمان آغاز شد که برای زنان ایرانی کتاب «فاطمه فاطمه است» را می‌نوشت ولی خودش و زنش در اروپا به روش غربی زندگی می‌کردند و تا آخر عمر زن و دخترانش بدون حجاب بودند.

همسر او خانم «پوران شریعت رضوی» گواه زنده‌ی یکی از مهم‌ترین رویدادهای فاجعه بار و سیاه تاریخ ایران است، او شاهد تاثیر شگرف و ویرانگر شوهرش بر تاریخ کشور ایران بود.

علی شریعتی دو ایدئولوژی متضاد یعنی اسلام و سوسیالیسم را ترکیب کرد و معجونی به نام مارکسیسم اسلامی که خودش آن را شیعه علوی می‌نامید ساخت و با صدایی گیرا و گفتار سحرآمیز آن را به جان جوانان خام خیال دهه‌ی چهل و پنجاه ایران ریخت. جوانانی سنتی و نیمه روستایی

که به لطف انقلاب سفید شاه و ملت، ناگهان در کمتر از ده سال، از دل دوران قرون وسطای قجری و رمل و اسطربلاب و دعانویسی و جن‌گیری و کف بینی و رمالی و غسل در خزینه پر از کثافت، به دوران پیشرفت‌های مدرن انتهای قرن بیستم پرتاب شده بودند. جوانانی که واپس‌گرایی مذهبی به ارث رسیده از خانواده هاشان را با خود به دانشگاه آورده بودند.

این‌ها در دانشگاه مسحور و مست اندیشه‌های مارکسیستی بودند که در آن روزها بازار داغی داشت. و آش پخته شده و مسموم افکار علی شریعتی که در چنین آشفته‌بازاری با تلفیق مارکسیسم با تعفن مذهب آمده از شیعه‌ی صفوی، آن را به دینی ظاهراً مدرن تبدیل می‌کرد خریدار و مشتاق بسیاری داشت. نواندیشان آن زمان برای متجدد نمایاندن خویش خود را پیرو این مکتب ساختگی نشان می‌دادند که اغلب شان کوچکترین درکی از حقایق افکار باطل شریعتی نداشتند.

شریعتی با خلق یک حسین شهید آرمان خواه دروغین مکتب انقلابی اش را تبدیل به بستر ترویج ایدئولوژی خشونت و ترور در بین جوانان کرد. ایده‌های به ظاهر انقلابی او در بین جوانان آرمانی شد که شور انقلابی آن‌ها بر شعور اجتماعی برتری پیدا کند و فضایی را رقم بزند که در بستر آن جامعه‌ی ایران دست به یک خودکشی سیاسی بزند.

پوران شریعت رضوی همسر این آقای دکتر، با نوشتن کتاب خاطرات زندگی سیاسی اش با علی شریعتی با نام «طرحی از یک زندگی» برخی از رازهای سر به مهر زندگی شوهرش را افشا کرده است.

وی در نوشته‌هایش افشا کرده که مرگ شریعتی هرگز کار حکومت شاه نبود بلکه برای دامن زدن به نفرت نسل جوان آن روزگارا شاه، لازم بود تا به دروغ، «معلم شهید» بدست ساواک ساخته شود!

همانگونه که با دروغ خودکشی تختی یا غرق شدن صمد بهرنگی را هم به گردن حکومت شاه انداخته بودند.

راز دیگری که ناخواسته در کتاب خانم شریعتی برملا شده این است که شبکه‌ای پنهان و بسیار قدرت مندتر از ساواک، علی شریعتی را در تمامی سال‌های فعالیت اش در ایران پشتیبانی کرد و سرانجام ترتیب خروج او را از ایران به لندن داد تا در لندن پروژه شهیدسازی را رقم بزند و گناه آن را به گردن ساواک و شاه بیندازد. شبکه‌ای که بدون حمایت آن هیچگاه انقلاب ۵۷ اتفاق نمی‌افتاد.

ای کاش خانم شریعت رضوی نام کتابش را به جای «طرحی از یک زندگی»، «طرحی از یک فاجعه» می‌گذاشت تا نسل‌های بعدی بدانند همسر او چه نقش مهمی در بروز فاجعه‌ی سال ۵۷ در ایران داشت که به واسطه‌ی آن کشور ایران بیش از چند قرن در تاریخ دچار واپس‌گرایی فرهنگی و اجتماعی گردید.

فرستنده دکتر عبدالله قانّدی - فلوریدا - تیترا مقاله از بیداری است

صدای چکیدن قطره های ادرارکی قطع خواهد شد؟ امین بارانی سفید و بلندش را می پوشد. کلاه بزرگ بارانی را بر سر می کشد، در اتاق را قفل می کند و راه می افتد.

## مسعود نقره کار

### هدیان های مقدس

سارا پیش از ایستادن روی چهارپایه که به زندگی خود پایان دهد، روی آن می نشیند، دستی بر موهای نرم و بلوند و بلندش می کشد. به خود می گوید، بلند شو، نترس، زمان آن رسیده است که عاطفه و عشق را تعریف کنی، عشق را که سرآغاز مرگ است، سرآغاز خودکشی است، عشق نقطه مقابل مرگ است.

این دروغ است، حقیقت نیست. دروغ هم یک حقیقت است. کسی که با قلب اش فکر می کند فرق دروغ و حقیقت را نخواهد فهمید.

برمی خیزد روی چهارپایه می ایستد، لرزش چهارپایه وحشت زده اش می کند. بیرون باد می وزد و بارانی سیل آسا می آید.

پنجره را باز می کند، باد لابلای پرده سیاه رنگ اتاق می پیچد و ذرات باران تند و ریز داخل اتاق می ریزد.

پیشتر صدای باران و باران را دوست می داشت. ضرباهنگ صدای ریزش باران از ناودان روی پیاده روی سیمانی ای که او را به اتاق سارا می رساند. گره حلقه را قرص و محکم می کند. امین نشسته بر لبه تخت به زن نگاه می کند. زن می گوید به من زل زدی یا به طناب؟ فرق نمی کند، درست می بینی. گره حلقه را قرص و محکم می کنم.

امین می پرسد چرا خودت را دار می زنی؟ راه دیگری نیست؟ راه های بهتر و راحت تری هم باید باشد. پنجره را باز می کند آسمان ابری است سفید مثل برف. چرا حرف های من را نمی فهمید، شمایی که با مورچگان و هددهدان و اجنه سخن می گوئید. شمایی که انسان ها را به بوزینه و بوزینه را به انسان بدل می کنید.

سارا شروع به قدم زدن می کند، سریع تر باگام های بلندتر و ناگهان می ایستد. به آرامی صدای چکیدن قطره های ادرار روی موکت سفید رنگ را می شمارد.

به خودش می گوید، نگران نباش چند دقیقه بیشتر طول نمی کشد، دو سه رعشه و تمام. اما نه، پیش از اینکه صندلی عسلی لهستانی را با نوک پا به گوشه ای پرت کنم، از امین خداحافظی کنم. خدا حافظ امین، به زودی توی جهنم می بینمت! امین نشسته بر لبه تخت به شمارش قطره های ادرار زن مشغول است. می خندد، شاید توی بهشت.

بهشتی در کار نیست، آنجا همه چیز مثل اینجاست، باورم کن. من از آنجا خبر دارم.

همین چند دقیقه پیش، پیش از اینکه روی صندلی به ایستند و آن سوی طناب را به حلقه ای که پنکه از آن آویزان است گره بزنند، (پیش از مرگ) به من گفته بود. بهشت راستی است به عظمت عظیم ترین دروغ ها.

## رسانه های غربی احمق های مفید برای ماشین تبلیغات جمهوری اسلامی

مانده از رویه ی نخست

بیشتر رسانه های آمریکا و اروپا در سالهای اخیر از مقام رسانه نزول کرده اند برای مثال آن ها کشته شدن قاسم سلیمانی را یک اشتباه استراتژیک خوانده و ترور نام نهادند و در واقع به جای رژیم ایران آمریکا را محکوم کردند.

اینگونه خبرها را بلافاصله رسانه های ایران مدرک قرار داده به مظلوم نمایی دست می زنند. خبرنگاران این دست رسانه ها به راحتی به ایران میروند و مصاحبه انجام می دهند. ولی رسانه و یا خبرنگاری که دید انتقادی نسبت به ایران دارد اجازه ورود به ایران را بدست نمی آورد. کریستیان امانپور چون در مورد جنایات رژیم ساکت بود و در مسافرت به ایران نیز به سراغ مخالفان نمی رفت برای رفتن به ایران مشکل نداشت و اینک فرناز فصیحی از همان نوع خبرنگاران بی خطر رسانه های خارجی است که به ایران می رود و می آید. (چکیده ای از مقاله طولانی مجید محمدی در العربیه فارسی)

## یک فراش مدرسه از هزاران کشیش برای جامعه سودمندتر است

توماس پین



من به این دلیل با مذهب مخالفم که  
ما را به راضی بودن و سرسپردگی  
تعلیم می دهد.

ریچارد داوکینز

## برگردان محمد خوارزمی

نویسنده سم هریس

## نامه ای به امت مسیحی

اصول و تعالیم مندرج در انجیل آن چنان تیره و درهم و متضاد است که به مسیحیان اجازه داد تا با شادمانی کافران (غیر مسیحیان) را برای پنج قرن طولانی زنده زنده در آتش بسوزانند.

این تضاد در انجیل تا حدی است که اجازه داد تا بزرگان مورد احترام کلیسا مانند قدیس آگوستین و قدیس توماس اکویناس فتوا به شکنجه و کشتن کافران بدهند. مارتین لوتر و جان کالوین قتل عام کافران، از دین برگشتگان، یهودیان و جادوگران را جایز می دانستند و موعظه می کردند.

البته شما امت مسیحی آزادید هر طور که دلتان می خواهد تفسیر کنید. آیا این شگفت انگیز نیست که شما توانسته اید پی به مسیحیت واقعی و راستین ببرید در حالی که با نفوذترین متفکران عالم مسیحی در طول تاریخ نتوانسته اند؟ و شخصیتی مانند مارتین لوتر کینگ کشیش که خود را یک مسیحی متعهد می انگاشت اما باور و تعالیم او به تظاهرات اجتماعی، آرام و بدون خشونت و تحت تاثیر نوشته ها و تعالیم گاندی بود تا مسیح! او حتا در سال ۱۹۵۹ سفری به هندوستان کرد تا اصول تظاهرات آرام اجتماعی، بدون خشونت را مستقیماً از شاگردان گاندی بیاموزد. گاندی هم به نوبه خود آن را از «جینز» هندی فراگرفته بود.

اگر شما فکر می کنید که مسیح تنها احکام طلایی و عشق به همسایگان را تعلیم می داده است باید یک بار دیگر کتاب انجیل (عهد جدید) را بخوانید. در شماره بعد آیه هایی را از انجیل برایتان می آوریم که باور کردنش مشکل است.

کوهها، از تنفس او باد، از صدایش رعد، از استخوانش فلزات، از عرق اش باران و از کرم های بدنش انسان پدید آمد! در دین مردم چین برخلاف سایر ادیان، خداکانون مرکزی نیست و از دستبرد و مخلوط شدن با سایر ادیان محفوظ مانده و ساخته ی اندیشمندان چینی است و خیلی ها آن را یک نوع فلسفه می دانند نه دین.

دنیای ارواح و غیب گویی در ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد در چین رواج داشته و شکست امپراطورها را به علت ناخشنودی ارواح می پنداشتند! به باور چینی ها از باران گرفته تا رودخانه، تابش آفتاب، چشمه ساران به فرمان ارواح نیک بوده و تاریکی، خلوت، بیماری... از ارواح بد سرچشمه دارد. خروس با نوید صبح مجسمه خوبی ها است و می تواند بر ارواح بد سلطه داشته باشد و خون او بسیاری از بیماری ها را شفا می دهد. دعا و سحر و جادو برای دفع روح بد، سودمند و لازم است. خانه تکانی اول سال برای بیرون کردن ارواح ناپاک است.

در گذشته (۱۱۰۰-۳۲۵) پیش از میلاد پرستش نیاکان و احترام به پیرمردان متداول بود. روح پس از مرگ به سر قبر، و سپس به آسمان می رود. در چین سه دین تائو-کنفوسیوس-بودائی انحصاری نیستند و فرد می تواند به بیش از یکی معتقد باشد، آن ها در گذشته معتقد بودند زمین مسطح است، کاخ خاقان در وسط زمین، زمین مرکز جهان و خورشید و ستارگان به دور زمین می گردند. نظم جهان به عهده تائو است تائوراه و روشی است که در ازل ریخته شده و همه کس از آن اطاعت می کنند. عدم، مادر تمام هستی ها است.

انسان باید پیرامون تائو اندیشه کند نه پرستش. انسان بد وجود ندارد. هیچ گناهی بزرگتر از جاه طلبی و تقصیری بالاتر از زیاده خواهی نیست. در کتاب دیگری «فانگ» پنج چیز را حرام کرده است. قتل- میخوارگی- زنا- دزدی و دروغ و ده چیز فضیلت است محبت به پدر و مادر- وفاداری به آموزگاران- مهربانی به همگان- درختکاری- راه و پل سازی- سواد آموزی- آزاد کردن بردگان و کتاب خوانی. از ابداعات تائوئیسم طرح ایده بهشت و جهنم است.

دکتر حسن روشننگر

## و انسان خدا را آفرید

دین در چین و ژاپن- در ادبیات چین که پر از داستان های گوناگون است در مورد خلق جهان می گوید: چهار میلیون سال پیش آدمی به نام «پان کو» که چندین برابر بزرگتر از انسان امروزی بود به مدت ۱۸ هزار سال با چکش زمین و آسمان را از هم جدا کرد. سپس خورشید و ماه را به جای خود گذاشت، دریاها و کوه ها را ساخت، یعنی پس از مرگ از بدنش

**دردناک است که آسیب دیده ترین انسان های مسلمان زنان می باشند و بیشتر از مردان به دامن آلوده اسلام فریبکار آویزان می شوند و بسیار هم به سختی از آن دست می کشند. مردان در مورد شناخت اسلام عاقلانه تر عمل می کنند و باهوش تر هستند.**



## تلاش ایرانیان برای رهایی از اسلام

«قرمطیان» ایرانیانی بودند که به تلافی پاره شدن درفش کاویانی و فرش بهارستان به دست اعراب، پرده اطراف کعبه را تکه تکه کردند، و بخشی از حجراالاسود سنگ سیاه روی دیوار کعبه را خرد کرده به دریا ریختند و در کعبه را هم با خود بردند.

جنبش قرمطی ها یکی از گسترده ترین جنبش های فکری، سیاسی و ضد مذهبی و از پرتوان ترین خیزش های مردمی ایرانی در ضدیت با خلافت عباسیان شمرده می شود.

«عبداله حمدان قرمط» بنیان گذار این جنبش از مردم بندر «دیلیم» در کناره خلیج فارس و از تربیت یافتگان سازمان اسماعیلی به شمار می رفت.

عبداله در سال های میانی قرن سوم هجری قمری در شهر کوفه می زیست، او در میان مردم به پارسایی و خردمندی شهره بود. وی به سبب مردم داری و عدالت خواهی همواره از سوی مردم و ستم دیدگان با جور دستگاه خلافت در می افتاد. مردم از شهرهای دور و نزدیک و از شهرهای ایرانی نشین میان رودان و سواحل خلیج فارس به دیدار او می آمدند. او در قیام بردگان نقشی گسترده داشت.

عبداله حمدان قرمط همواره بر این باور استوار بود که سرانجام مردم ایران قدرت را از عرب بازپس می گیرند و خودش برای آن آرزو تلاش بسیار کرد. در قیام مردم ایرانی سرزمین بحرین که بدست «ابوسعید حسن بهرام» گناوه ای صورت گرفت، عبداله حمدان قرمط در خیزش ایرانیان آنجا بسیار موثر واقع شد که در نتیجه ابوسعید گناوه ای توانست شهرهای هجر «گرا- هگر» و خط «پنیات اردشیر» را به تصرف در آورد و دست غارتگران دستگاه خلافت را از سرزمین بحرین کوتاه سازد. و بدین ترتیب ابوسعید دولت ایرانیان قرمطی را در بحرین تاسیس کرد و شهر هجر را مرکز این دولت قرار داد. از این دوران شهر «هجر» به «لحسا» و شهر «خط» به «قطیف» نام گذاری شد و تا امروز بحرین کرانه ای با همین نام های قرمطی خوانده می شوند.

دولت قرمطی سپس بر سرزمین یمامه دست یافت. دوسال بعدش سر تا سر سواحل جنوبی خلیج پارس و سرزمین عمان به دولت قرمطی پیوست. قرمطیان کسانی را که به آیین اسلام گرویده بودند به دیده استهزاء می نگریستند و در «لحسا» هر تعداد قرآن و تورات و انجیل بود همه را به صحرا افکندند و از بین بردند.

به نظر قرمطیان، سه نفر مردم جهان را گمراه کردند. شبانی (موسا)، طیبی (عیسا) و شتربانی (محمد) که فرد شتربان را شعبده بازتر و سبک دست تر و محتال تر از آن دو می دانستند (بحرالفتاوید ص ۳۴۶ و تاریخ بیهقی ص ۸۴۹ و نیز سیاست نامه ص ۳۰۹).

ناصر خسرو درباره قرمطیان می نویسد: در شهر «لحسا» مسجد جامع و یا هیچ مسجد دیگری وجود نداشت. ساکنان شهر «لحسا» نماز روزانه نمی گذاردند (سفر نامه ص ۱۱۲)، محمد حسین علوی تاکید می کند که از نظر فلسفی قرامطه و زنادقه در نفی «خدای آفریدگار» هم صدا و هماهنگ بودند (بیان الادیان ص ۱۴۹) ابوسعید در سال ۳۰۱ هجری قمری کشته و پسرش ابوطاهر گناوه ای پیشوای قرمطیان می شود. دولت قرمطیان بحرین تا سال ۳۴۹ هجری قمری دوام داشت و خطری بزرگ برای خلفای ستمکار اعراب بشمار می آمد.

ابوطاهر که اینک پیشوای قرمطیان بحرین است در سال ۳۱۷ قمری از بحرین به مکه لشکر کشید و بی رحمانه به کشتار حاجیان پرداخت همگی آن ها را گردن زد و کشته ها را در چاه زمزم ریخت. او و سر باز هایش دائم فریاد می زدند کجاست ابابیل هایتان؟ آن ها حجراالاسود و برده های کعبه و در ب آن را کنده با خود بردند. مورخین در این باره می نویسند: در سال ۲۹۴ هجری قرمطیان به شهر مکه حمله بردند و حجاج را کشتند و سنگ حجراالاسود را از کعبه جدا کردند و بر بام آن شدند و ناودان زرین کعبه را کردند و می گفتند چون خدای شما به آسمان رفته و خانه اش را بر زمین رها کرده، خانه اش را غارت می کنند، پرده از خانه باز کردند و پاره پاره به غارت بردند و به استهزا می گفتند (و من دخله کان آمنا و آمنهم من خوف) یعنی وقتی که در خانه کعبه بودید چرا از شمشیرهای ما امان نیافتید؟ اشاره به سوره آل عمران آیه ۹۷ است که می گوید (هر که در خانه کعبه داخل شود، ایمن می گردد) پس اگر خدایی بود شما را ایمن می کرد (سیاست نامه ص ۳۰۸ و تاریخ فلسفه اسلامی ص ۱۸۷)، آن ها در مکه ۱۱ روز ماندند به اضافه حجراالاسود که برای مسلمانان بسیار مقدس است را به همراه محتویات درون کعبه از قبیل جواهرات و اشیاء قیمتی با خود به بحرین بردند (کامل ابن ایره ص ۶۵ و نیز آثار الباقیه ص ۲۷۷).

**اگر یک بچه پنج ساله و ده ساله را مارکسیست بنامیم همه خواهند خندید، پس چرا باید کودک دو و سه و پنج تا شانزده ساله را مسلمان و مسیحی و یهودی بنامیم.**

ریچارد داوکینگ

**کسانی که می گویند همه چیز دست خداست و خودشان هم باور دارند، چرا هنگامی که از خیابان رد می شوند به چپ و راست خود نگاه می کنند؟ مگر همه چیز دست خدا نیست؟**  
استیون هاوکینگ

مهندس فرهنگ م - پاریس

## جن در قرآن

به دیده خردگرایانه بیشتر مطالب قرآن خرافه است. اما از میان این همه خرافه به مضحک تر از همه آن ها یعنی به مورد جن می پردازم. در مورد جن دانشمندی گمنام به نام آرش بی خدا می نویسد، جن یکی از خرافات شاخص قرآن است حتا در قرآن سوره ای به نام جن نیز وجود دارد. در سوره های دیگر هم نامی از این موجود خیالی آمده است. سوره حجر آیه ۲۷ «و جن را پیش از آن، از آتش سوزنده بی دود آفریده بودیم». مردمان باستانی چون علت بسیاری از چیزها را نمی دانستند همواره خود را محصور بین موجودات ناپیدا و گم می دیدند و گمان می کردند اتفاق هایی که می افتد معلول فعالیت های این موجودات نامریی است. جن از موجودات خرافی محلی جامعه محمد بوده است. واژه جن به معنی مخفی است.

**دکتر شجاع الدین شفا** در مورد جن در کتاب تولدی دیگر می نویسد «قرآن از موجودات ناپیدای دیگری به نام جن سخن می گوید که شبیه آدمیان آفریده شده اند. و به خلاف خود آن ها که آدمیان را می بینند، آدم ها به دیدن آن ها جز در موارد خاص قادر نیستند».

**در قرآن اهمیت خاصی به «اجنه» داده شده به طوری که ۴۸ آیه به آن اختصاص یافته است، ولی در دو کتاب توحیدی دیگر تورات و انجیل سخنی از جن به میان نیامده است.**

اعتقاد به جن اعتقادی است که از اسطوره های بابلی به باورهای اعراب عصر جاهلیت و از آن جا وارد قرآن شده است. در اساطیر بابلی اجنه ها موجوداتی ناپیدا بودند که از آتش آفریده شده و به دو گروه خوب و بد تقسیم می شدند. اجنه خوب نهبان مردمان در برابر خطرات روزمره زندگی بودند که «جنیان» از این خطرات آگاه بودند. این اجنه همه جا حتا در کوچه و بازار آدمیان را بی آن که دیده شوند همراهی می کردند و در هنگام جنگ آن ها را از تیر دشمن محفوظ می داشتند. در مقابل، اجنه بد پیوسته در پی آزار آدمیان بودند و آنها را به جنایت تشویق می کردند. آن ها در ویرانه ها می زیستند و آدمیان می توانستند آن ها را از پاهای سم دارشان بشناسند!

در قرآن این عقیده خرافی بابلی را که مشابه آن به اشکال گوناگون در افسانه های اساطیری یونانی، ژرمنیو، اسلاو، فنیقی ها و آشوری ها دیده می شود به صورت یک واقعیت آسمانی ارائه شده است و مسلمان ها آن را وحی منزل می پندارند. در سوره ذاریات آیه ۶۵ قرآن می نویسد «و آن ها را از آتش سوزان خلق کردیم». الرحمن ۱۵- حجر ۲۷ «**کسانی بین اجنه و خداوند نسبت خویشاوندی قائل شدند**». ذاریات ۵۷ «و

کسانی نیز اجنه را شرکای خدا دانسته اند. انعام- ۱۰۰) و حدود ۴۰ آیه دیگر از همین سخن ها درباره اجنه در قرآن می بینیم. در یکی از این آیه ها به روایت قرآن آمده است «در دوران پیش از نزول این کتاب گروهی از اجنه کوشیدند خود را به آسمان برسانند تا در آنجا استراق سمع کنند و از اسرار عالم بالا آگاه شوند ولی این جنیان پس از نزول قرآن دریافتند که آسمان شدیداً تحت مراقبت است و اجنه ای که قصد رخنه بدان جا را داشته باشد هدف تیر شهاب ملانگ پاسدار قرار می گیرد» (جن ۸ و ۹۹). طبری نقل می کند در هنگام بازگشت محمد از مکه به طائف گروهی هفت نفری از اجنه او را در بین راه در حال خواندن قرآن دیدند (مردک دروغگو آن موقع که قرآنی وجود نداشت!) و به قدری تحت تاثیر قرار گرفتند که خود را به محمد نشان دادند و مسلمان شدند. محمد سپس آنان را مامور کرد که جنیان دیگر را نیز به اسلام دعوت کنند، سرانجام همه قبیله آن هفت نفر اسلام آوردند (آخوندهای ما حتماً از تخم و ترکه همان اجنه ها می باشند) و محلی را که محمد برای آن جنیان قرآن خواند وادی اجنه نام نهادند. مولفین اسلامی به کرات از ازدواج اجنه با زنان مسلمان روایت کرده اند و حتا کسانی از افراد سرشناس خود را زاده مشترک اجنه و آدمیان دانسته اند. «ذهبی هوشمندی» چندین دانشمند را نام می برد که یکی از اجدادشان جن بوده اند (احتمالاً یکی از آن ها در ایران به رهبری رسید!) محمد باقر مجلسی، از قول امام جعفر صادق روایت می کند که طایفه کرد «گورد» از اجنه ای بودند که خداوند آنان را به صورت آدمیان در آورده است! (حلیته المتقین فصل چهاردهم). نویسندگان دیگری نظیر باقر مجلسی چند هزار حدیث در ارتباط با اجنه گردآوری کرده اند که از جمله آن ها حدیث های مربوط به سگ هایی است که در اصل جن هستند و کسانی که چپ دست هستند و جن هایی که به طور نامشروع با زنان نزدیکی می کنند و اجنه ای که وقوع جنگ بدر را به پیامبر خبر دادند و جن های فقیه که فتوا صادر می کنند، مطهری هم در مورد اجنه مطالب بسیاری نوشته است. شیعیان معتقدند که تمام اجنه ها مسلمان شیعه هستند (می خواهند بگویند تعداد ما بی شمار است!) چون در ماجرای غدیر خم در محل حضور داشته و شاهد ماجرا بوده اند. گروهی از مسلمانان اصرار می ورزند که خودشان جن را به چشم دیده اند. به این افراد پیشنهاد می کنیم حتماً به یک روانپزشک غیر مسلمان مراجعه نمایند!

بیداری - هر آنچه را در پرانتزها دیدید از ما است و از نویسنده محترم نیست.

**مرا با حقیقت بیازار اما با دروغ آرام نکن.**

رومن رولان

## ملت ما امروز برای نان می جنگد که زنده بماند

جمهوری اسلامی آخوندی الگوی بارزی است برای سه چیز:

**دزد سالاری - کودن سالاری - پست سالاری .**

باید اعتراف کرد که این پدیده یعنی جمع شدن احمق‌ها و دزدها و پست فطرت‌ها تحت یک حکومت در تاریخ بشر بی‌سابقه است در کشوری که سرشار از منابع طبیعی است و موقعیت استراتژیک بسیار مهمی دارد، مردمش در عرض ۴۰ سال با حکومت دزدان و احمق‌ها به جایی رسیده که بیش از ۸۰٪ آن‌ها زیر خط فقر رفته اند، پول کشور ما بی‌ارزش‌ترین پول جهان و پاسپورت ما بی‌اعتبارترین پاسپورت در جهان است. از وضعی که کشور ما پیدا کرده تک تک ما ایرانیان چه مخالف و چه موافق این رژیم باید شرم‌منده باشیم و خجالت بکشیم چون مردم جهان که نمی‌دانند کدام ما در این بدبختی چقدر سهم دارد .

آن‌ها ما را ایرانی می‌دانند، ایرانی که یک عده آخوند گروکان گیر تروریست پرور برکشورش حکمرانی می‌کنند و مردمش هم اگر صدایشان در می‌آید برای آب و نان است نه آزادی . در بیرون از کشور که وضع ما از درون کشور هم بدتر است چون اصلاً کاری نمی‌کنیم! برای اینکه بدانیم براستی اوضاع ما از چه قرار است باید به چرند و پرنده گویی های مقامات بالای کشورمان با دقت گوش کنیم بشرط اینکه فقط نخندیم .

یک وزیر کودن مان اعلام میکند مردم پس از ساعتها ایستادن در صف مرغ ابراز خوشحالی کرده‌اند! وزیر چاپلوس بهداشت در حالیکه بدترین کارنامه واکسیناسیون کرونا را در دنیا دارد میگوید برای همه دنیا واکسن تولید میکنیم! یک آخوند بیسواد دیگر میگوید آمریکا برود فکری به حال دلار خودش بکند که هر روز گرانتر میشود یک امام جمعه میگوید زن من

شبیبه الاغ است و فقط خودم سوارش میشوم! و زن بی‌حجاب مثل اتوبوس است! آیا زنان ما در بیرون از کشور به این توهین بی‌شرمانه اعتراض کردند؟ یک دروغگوی پاچه خوار میگوید خامنه ای در هنگام تولد گفت یا علی! دیگری با چفیه و تسبیح چند هزار میلیارد میدزدد و بعد با هماهنگی مسئولین میرود کانادا و در کازینو خوش گذرانی میکند! یک نفهمی مانند محسن رضایی میخواهد با اسیر گرفتن هزاران سرباز آمریکایی در یک جنگ احتمالی بابت هراسیر میلیاردها دلار باج بگیرد و مشکلات اقتصادی کشور را حل کند! یک سردار کودن دیگر از در قابلمه بعنوان دستگاه ویروس یاب رونمایی میکند! **امامشان هم که می‌گفت اقتصاد مال خراست!** مردکی مانند احمدی نژاد که تیر خلاص میزده، برای ۸ سال میشود رئیس‌جمهور و ۷۰۰ میلیارد دلار پول را گم میکند و به مردم میگوید خس و خاشاک! رئیس‌جمهور بعدی، حسن روحانی که در کارنامه‌اش سابقه فرزندکشی دارد نیز میگوید به همه وعده‌های اقتصادی‌اش عمل کرده، در حالیکه در زمان او دلار ۸ برابر و عملاً اقتصاد نابود شده است! نفعی، ابراهیم رئیسی، با شش کلاس سواد، که در سخن گفتن عادی و معمولی عاجز است و حتی یک جمله معنا دار نمی‌تواند بیان کند، مسئولیت ریاست جمهوری را به عهده می‌گیرد و نماینده بیسواد مجلس هنوز نمی‌داند ایران کجای آسیا است! ولی برای یک جاسوس به ظاهر پیرون اسرائیلی حمله می‌بندند و در همان زمان هواپیمای مسافربری را با موشک میزنند و انکار میکنند! و هزاران هزار مثال دیگر که در این مقوله نمی‌گنجد، اما مردم ما هنوز برای اعتراض به این مسائل ساکتند و عده‌ای همچنان معتقدند اینها بد هستند ولی اصل نظام خوب است و این‌ها اسلام را خراب کردند و بقول دانشمندان در خارج از کشور آقای کریمی حکاک که همه او را استاد صدا می‌فرماید .

این‌ها آبروی اسلام را بردند و اسلام این نیست که می‌بینید! براستی که این حجم از ساده لوحی، که ما در برابر جنایتکاران حاکم بر کشورمان از خود نشان می‌دهیم نیز در تاریخ بشر بی‌سابقه است.

**هنگامی که ابراهیم بت‌ها را می‌شکست،  
به بت پرستان می‌گفت، چگونه شما  
بت‌هایی را که حرف نمی‌زنند  
می‌پرستید؟ یکی از بت پرستان گفت  
مگر خدایی را که تو می‌پرستی  
حرف می‌زند؟**

**شیعیان گرامی، لازم نیست شما  
جهان را نجات دهید، فعلاً آن یک  
نفر عزیزتان را که ۱۲ قرن است ته  
چاه افتاده و نمی‌تواند بیاید  
بیرون نجات دهید.**

بدن زن مسلمان مانند یک سرزمین  
اشغالی است و به خودش تعلق ندارد!  
گلشیفته فراهانی



حکومتی باید مردمش را دوست داشته  
باشد تا به فکر آن ها باشد. در ایران ما  
چنین نیست.

امین اکبریان



چون ما ایرانی ها هرگز در صف خرید کتاب  
نایستادیم، اکنون باید در صف های نان و  
آب و گوشت و ماکارونی و سیب زمینی و  
ده ها قلم جنس دیگر هر روز صبح تا شب  
بایستیم تا جان مان در آید و «واریس»  
بگیریم!

میلاذ

بهترین راه به دست آوردن بیداری از راه پست است  
858-320-0013 bidari2@Hotmail.com

# بیداری

نشریه کانون خردمداری ایرانیان

## همه ساختگی و دروغ است

آیا همین یک دروغ در قرآن «سوره بقره» کافی نیست که  
بدانیم موضوع خدا و پیامبر و کتاب وحی، همه و همه  
ساختگی و دروغ است.

در سوره بقره که دومین سوره قرآن است در آیه ۲۹ خدا می  
گوید: ما اول زمین را آفریدیم بعد آسمان را، و هفتاد  
و هفت سوره ی بعدتر در سوره «نازعات» آیه های ۲۷ تا ۳۰  
خداوند عاقل و دانا فراموش می کند قبلا در این مورد چه  
گفته است و می فرماید ما اول آسمان را آفریدیم،  
سپس شب را تاریک کرده و زمین را بعد از آن  
آفریدیم... «دروغگو کم حافظه می شود». از این موارد  
در قرآن زیاد است که ساختگی بودن خدا و کتابش را ثابت  
می کند.

Prst Std  
U.S. Postage  
Paid  
San Diego, CA  
Permit No. 2129

BIDARI  
P.O. Box 22777  
San Diego CA 92192  
U.S.A.